

جنّ از نگاه قرآن و عهدین

زهرا اشرف برجی

(دانش‌آموخته دوره عالی علوم و معارف قرآن و عضو حلقه علمی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

جن، موجودی ناپیدا، دارای عقل و شعور، فهم و درک، مختار و مخیر است که می‌تواند راه زندگی‌اش را انتخاب کند و به راه راست یا منحرف برود؛ زیرا دارای اراده و مکلف به تکالیف الهی است و خداوند متعال این موجود را قبل از انس خلق نموده است. جن در قرآن به صورت گسترده آمده، به گونه‌ای که به تمام ابعاد جن؛ از جمله: خلقت، ویژگی‌ها، اوصاف و... اشاره نموده است. اما در کتب مقدس تورات و انجیل، این امر به طور محدود ذکر شده است و فقط وجود جن را تأیید کرده و اشاره کرده که برخی از افراد با اجنه ارتباط داشته‌اند.

جنیان از نظر قرآن، موجوداتی نامرئی هستند که گاهی قابل رؤیت می‌شوند و انسان می‌تواند آنها را ببیند و قرآن تنها منبعی است که جن را به عنوان یک موجود واقعی مانند انسان پذیرفته است و به دو دسته خوب و بد، صالح و فاسد تقسیم می‌کند و از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار می‌گیرند. نگارنده در این مقاله، سعی کرده به مواردی که در عهدین آمده اشاره نماید و لذا درجایی که به این مقوله پرداخته، نشان این است که کتب عهدین در آن زمینه سکوت کرده و چیزی را مطرح نکرده است.

کلیدواژگان: جن، ماهیت جن، شیطان، ابلیس، خلقت جن، قرآن کریم، عهد قدیم، عهد جدید.

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم از میان تمام مخلوقات، جن و انس را دو موجود با ارزش معرفی کرده است. در این کتاب الهی برای هر گروه، سوره‌ای اختصاصی وجود دارد که بیان‌گر ویژگی‌های آنان است که دیگر موجودات فاقد آن هستند و به اقتضای طبیعت‌شان از حواس بشر پوشیده‌اند.

جن مانند انسان، مکلف به اعمال و در مقابل اعمالش مسئول و پاسخ‌گو است. وی موجودی صاحب اراده است که از فرس الشیطان تا عرش الرحمان در خدمت امام مبین در می‌آید و گاه در خدمت ابلیس لعین چشم ما را بر روی بسیاری از حقایق و معارف دینی می‌بندد.

توصیف چنین موجودی به آسانی ممکن نیست؛ زیرا جهانی بسیار گسترده و پیچیده دارد و در تفکر و تصور عده‌ای خرافی و افسانه‌ای یا نزدیک به آن است. اگر افراد به این موضوع با دید علمی و تحقیقی بنگرند، متوجه می‌شوند که جن نه تنها وجود دارد؛ بلکه مانند انسان‌ها دارای عقل، شعور، فهم و درک است.

کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش شده یا اندک است و یا اینکه موضوع جن را با شیطان و ملک مطرح نموده‌اند؛ از جمله: معارف قرآن (محمد تقی مصباح‌یزدی)، قرآن در اسلام (علامه طباطبایی)، عالم الجن (سید جمیلی)، و ...

رویکرد مقاله، تطبیقی و با شیوه توصیفی و کتابخانه‌ای پیش رفته است.

هدف از نگارش موضوع، پاسخ‌گویی به چند سؤال است؛ از جمله اینکه: آیا قبل از اسلام انسان‌ها به وجود این موجود معتقد بوده‌اند؟ و آیا در کتب آسمانی نامی از آن آمده و اگر آمده، چگونه توصیف شده است؟

۱. مفهوم‌شناسی

واژه «جن» ۲۲ بار در قرآن آمده و هفتاد و دومین سوره قرآن به نام این موجود است. همچنین الفاظ جن، جان و جنه ۳۱ بار ذکر شده است. نظرات متعددی در رابطه با این واژه وجود دارد.

۱،۱. جن با تلفظ جـ و واژه‌ای عربی و اسم است. در اغلب فرهنگ‌های لغت آن را موجودی خیالی و نامرئی، حدفاصل بین ارواح و انسان‌ها تعریف می‌کنند که موجوداتی نادیدنی هستند و از چشم مردم پوشیده‌اند. واحد آن «جَنّی» و مؤنث آن «جَنّیة» است.

۱,۲. جَانَّ ۱ و آجانین ۱ ن جمع آن است. عوام برای جمع بستن واژه جن از کلمه اجنه استفاده می-کنند که در واقع اجنه جمع واژه جنین است که به غلط چنین متداول شده است. هر چند همه دارای یک ریشه هستند و همان معنای پوشیدگی، مخفی و مستور بودن را در ذهن تداعی می-کند.^۱

۱,۳. بهمعنای پوشیده و پنهان بودن چیزی از حواس انسان است. آنها نوعی از موجوداتند که از آتش آفریده شده‌اند، صاحب اراده و شعورند و از حواس ظاهر پوشیده می-باشند.^۲

۱,۴. موجودی است که از اجسام سبک و نازک به صورت مخفی تشکیل شده است.

۳

۱,۵. نوعی از ارواح عاقله ولی مجرد از مادی بشر است و مثل انسان دارای تکلیف، ثواب و عقاب می-باشد.^۴

۱,۶. جن موجودی مکلف، باشعور، ناپیدا و ضد انس است و به خاطر اینکه دیده نمی-شود، جن نامیده شده است؛ اما از نظر قرآن هر موجود مخفی، جن نیست.^۵

۲. ماهیت جن

تنها منبعی که در رابطه با خلقت جن می-تواند اطلاعات کافی بدهد، قرآن است؛ زیرا احتمال هیچ گونه اشتباهی در آن نیست. قرآن می-فرماید: «و خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»^۶ «و جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد.»^۷

طبق نظر قرآن کریم، «جن» مخلوقی غیر مادی است و با حواس پنج‌گانه قابل لمس و درک نیست؛ لمس نمی-شود، نمی-توان آن را بویید و... به عبارت دیگر، این موجود را با عوامل و حواس ملکی نمی-توان دریافت کرد و به همین دلیل برای انسان‌ها قابل

۱. محمدرضا خوشدل، موجودات ماورایی (پژوهشی پیرامون خلقت جن)، ص ۳۸.

۲. حسین بن محمد راعب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۰۴؛ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. ابوعلی الفضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲۵، ص ۳۶۷.

۴. الملائكة والجن، المملكة العربية السعودية وزارة التعليم العالي جامعة ام القری، برگرفته از مکتب المهتدین، ص ۲۹۶.

۵. ابن منظور مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۶.

۶. الرحمن/۱۵.

۷. الرحمن/۱۵.

رؤیت نیستند؛ زیرا کارهای عجیب و حرکات سریع انجام می‌دهند.^۱ نوع خلقت این موجود، قدرتی را به آنها داده که می‌توانند خود را به اشکال مختلف در بیاورند. البته شکل اصلی آنها در حالت انقباض قابل دیدن و در حالت انبساط غیرقابل دیدن است. عالم جن غیر از عالم انسان و ملائکه است؛ ولی بین این دو قدر مشترکی از جمله عقل، ادراک، قدرت و اختیار و... وجود دارد.^۲ قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«...إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...»^۳ «چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند و شما آنها را نمی‌بینید.»^۴

جن نیز مانند انسان و هزاران مخلوق دیگر، یکی از مخلوقات الهی است. بعضی از موجودات محسوس و بعضی نامحسوس هستند که جن یکی از موجودات نامحسوس است. موجودی لطیف که اگر تغییر حالت بدهد در قوه حس و ادراک انسان به صورتهای مختلف محسوس می‌شود، او در روی زمین قبل از خلق شدن انسان‌ها به وجود آمده است.^۵

«وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ»^۶ «و جن را خلق کردیم پیش از آفریدن انسان از آتش بی‌دود و لطیف.»^۷

۲.۱. از تباط مفهومی جن و شیطان

شیطان در معنای اصلیش مفهومی وصفی یعنی «شریر» دارد که در قرآن صراحتاً به آن اشاره شده است. شیطان ممکن است از جن یا انس باشد که کارشان شرارت است و البته در میان شیاطین جن، فرد ممتازشان ابلیس است. وی آن هنگام که همه ملائکه در برابر آدم سجده کردند، از سجده امتناع کرد و این آیه اشاره به حقیقت و نوع شیطان از جن دارد.^۸

۱. رک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۷، ص ۴۹.

۲. عمر سلیمان عبدالله، عالم الجن والشیاطین، ص ۹.

۳. اعراف/۲۷.

۴. اعراف/۲۷.

۵. رک: جن در آینه قرآن، ص ۵۵.

۶. حجر/۲۷.

۷. حجر/۲۷.

۸. محمدتقی مصباح‌یزدی، معارف قرآن (۳-۱)، ص ۲۹۷؛ حسین عبدالله، السحر والجن (بین واقع‌التأثیر و خرافة الشایعات)، ص ۵۵.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ...»^۱ «به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس، او از جن بود، سپس از فرمان پروردگارش خارج شد.» حال این پرسش مطرح است اگر ابلیس از جن است چگونه مشمول نافرمانی شد که برای فرشتگان در مورد سجده آدم مطرح شده است. اگر ابلیس از جن بود می‌توانست بگوید من از فرشتگان خارج هستم به همین جهت سجده نکردم.^۲ اما قرآن کریم در ماهیت وی می‌فرماید:

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ. وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»^۳ «انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید. و جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش» بنابراین طبیعت شیطان، غیر از طبیعت بشر است. لازم است بدانیم که ابلیس به‌دلیل اینکه زیاد عبادت می‌کرد در جایگاه فرشتگان قرار گرفته بود، نه اینکه حقیقتاً از ملائکه باشد. در قرآن ذکر نشده که ملائکه از آتش خلق شده‌اند؛ اما قرآن به صراحت بیان می‌کند که ابلیس عصیان نموده در صورتی که فرشتگان عصیان نمی‌کنند.^۴ با دلایل قرآنی ثابت شد که ماهیت جن و شیطان یکی است؛ ولی با ماهیت فرشتگان تفاوت دارد. ابلیس به‌خاطر عبادت، بندگی، اطاعت و قرب به پروردگار در صف فرشتگان جای گرفته بود. اگر غیر از این بود از فرمان پروردگار سرپیچی نمی‌کرد که تکبر و غرورش باعث سقوطش بشود و تمام سرمایه معنوی‌اش از بین برود و منفورترین موجود از درگاه خداوند متعال باشد؛ درحالی‌که جنیان این‌گونه نیستند. افرادی که کافر شوند منفور درگاه الهی می‌شوند و در آتش جهنم می‌سوزند و افرادی که صالح و مؤمن باشند در آخرت رستگار می‌شوند. می‌دانیم که ابلیس رئیس قوی شر است و جن و انس را به سوی کفر سوق می‌دهد و شیطان، فرزند ابلیس است که فقط با او ابلیس می‌میرد.^۵

۳. واقعیت جن

جن چگونه موجودی است که کلام الهی بارها موجودیت آن را تأیید می‌کند؛ ولی

۱. کهف/۵۰.

۲. محمدتقی مصباح‌یزدی، معارف قرآن، ص ۲۹۷.

۳. الرحمن/۴ و ۱۵۰.

۴. محمدتقی مصباح‌یزدی، معارف قرآن، ص ۲۹۷.

۵. رک: حسین عبدالله، السحر والجن، ص ۵۶؛ حمیده محمد باقری‌رفسنجانی، جن در آیینه قرآن، ص ۵۰-۵۶.

او همواره واقعیت خود را در هاله‌ای از افسانه و اسطوره از انسان‌ها پنهان کرده است؟! جن از مفاهیم فرهنگ اسلام می‌باشد که در قرآن توجه خاصی بدان شده است. این واژه، خود مبین ناپیدایی و رازآمیزبودنش در آفرینش است. جن یک حقیقت عینی است که تاکنون ارتباط خود را با جامعه بشری حفظ کرده است و انسان را به سمت کنکاش و شناخت دعوت می‌کند.^۱

بنابر نص قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱. جمادات؛ ۲. نباتات؛ ۳. و حیوانات که یا دارای عقلند؛ مانند: انسان، فرشته و جنیان؛ و یا فاقد عقل و شعورند؛ مانند حیوانات.^۲ با توجه به آیات قرآن و بدون هیچ شک و تردیدی، می‌دانیم موجودی به نام جن در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان است.

روایات و احادیث فراوانی از پیامبر اکرم •، حضرت علی و امامان • و بزرگان علوم دینی در این خصوص وجود دارد که جنیان قبل از انسان خلق شده‌اند و از آنجا که هر دو از ماده آفریده شدند مادی هستند؛ ولی دو تفاوت اساسی با سایر موجودات دارند:

الف. می‌توانند خود را به هر شکل و قیافه‌ای تبدیل شوند و از چشم موجودات دیگر پنهان بمانند؛^۳

ب. زمان برایشان معنا ندارد و اعمالی که انجام آن از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند.^۴ بنابراین جن مثل انسان زندگی می‌کند، می‌میرد و برانگیخته می‌شود. اساساً یکی از اهدافی که خداوند متعال جن و انس را خلق نموده، این است که به تکامل برسند و به او نزدیک شوند. اما با مطالعه کتاب مقدس (عهدین)، مطلبی در زمینه تفاوت‌ها مشاهده نشد.

۴. ارتباط جن با بشر

پیش از ظهور اسلام، عرب‌ها دو پدیده شعر و کهانت را اموری می‌دانستند که ریشه در عالمی دیگر دارد که در ورای این عالم محسوس و مرئی است و آن را همچون

۱. رحمان میرزایی، آنها اینجایند (جن‌شناسی از نگاه دیگر)، ص ۱۵.

۲. سید بهاء‌الدین نجفی، جن افسانه یا واقعیت، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۵-۱۶.

۴. همان، ص ۱۶.

جهان و جامعه خود می‌دانستند که عالم جن بود. در نگاه آنها جنیان قبیله‌ای بودند که در بیابان (وادی عبقر) می‌زیستند.^۱

در تصور عرب‌ها، تنها انسان‌هایی می‌توانستند با جنیان ارتباط برقرار کنند که برخوردار از ویژگی‌های خاصی باشند؛ زیرا صورت و سیرت جنیان متفاوت با نوع بشر بود که می‌توانستند از مرزهای آسمان و زمین بگذرند و بر امور پوشیده و مخفی دست یابند.^۲

فقط برخی از انسان‌ها و به‌ویژه کاهنان با جنیان ارتباط برقرار می‌کردند. اعتقاد عرب‌ها به امکان ارتباط بشر با جن قبل از ظهور اسلام باعث شد، زمانی که پیامبر اکرم • در سرزمین عربستان مبعوث شد و از وجود کلام الهی (قرآن کریم) توسط فرشته وحی (جبرئیل) خبر داد، آنها به راحتی بپذیرند. اگر چنین باورهایی ریشه در نگرش و اندیشه عرب آن روز نبود، پذیرش نزول فرشته و سخن گفتن او با بشر در نظرشان غیرممکن بود.

در قرآن کریم یک سوره کامل ویژه جنیان وجود دارد که احوال و طریقه ایمان آوردن‌شان به دین اسلام را بعد از شنیدن آیات بیان می‌کند. در این سوره، اینکه چگونه برخی از جنیان مؤمن و مسلمان می‌شوند و کردار سابق و نیز کردار آدم‌هایی که به یشان پناه می‌برند، ناپسند می‌شمارند، بحث شده است. همچنین این سوره، ارتباط جن با آسمان و امکان ارتباط برخی آدمیان با جنیان را نشان می‌دهد.

«يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»^۳ «که به راه راست هدایت می‌کند، لذا ما به آن ایمان آورده‌ایم، و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نمی‌دهیم»

«وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا»^۴ «و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیان‌شان می‌شدند»

علاوه بر قرآن کریم، کتاب‌های آسمانی دیگر به ارتباط بشر با جن اشاره کرده‌اند. برخی از افراد آن زمان برای اینکه با این موجودات ارتباط داشته باشند بخواهند کاری

۱. نصر حامد ابوزید، معنای متن پژوهشی در علوم قرآن، مترجم مرتضی کریمی‌نیا، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. جن/۲.

۴. جن/۶.

را انجام دهند، صاحبان اجنه را حاضر و به حضور خود می‌طلبیدند تا با آنها همفکری کنند و بعد تصمیم بگیرند.

در کتاب عهدقدیم می‌خوانیم:

شاؤل (یکی از پادشاهان بنی‌اسرائیل) به خادمان خود گفت: «صاحب اجنه را برای من بطلبید تا نزد او رفته و از او مسألت نمایم.»^۱
و پادشاه به صاحب اجنه گفت: «تمنا اینکه بواسطه جن برای من فالگیری نمایی و کسی را که به تو بگویم از برایم برآوری.»^۲
با این شاهد مثال‌ها به‌صورت مختصر ثابت شد که در کتاب مقدس عبری نیز مطالبی ذکر شده و این امر به قرآن اختصاص ندارد.

۵. ویژگی‌های جن

۵.۱. اهم اوصاف جن

وجود جن برای انسان قابل رؤیت و لمس نیست ولی جهان انسان برای جن قابل رؤیت و لمس است؛ زیرا دارای روح و نفس هستند. آنها در بین خودشان پیامبر ندارند باید از دستورات پیامبر آدمیان پیروی کنند؛ همان‌گونه که عده‌ای از آنها به حضرت عیسی • و عده‌ای به حضرت محمد • ایمان آوردند و بعضی هم از دستورات خداوند سرپیچی کردند و صفات زشت را درون خود پرورش دادند که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:^۳

الف) عفریت (شریر و خبیث): «قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا أَتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ...»^۴ «عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلس برخیزی.»

ب) مرید: (از او خیری به کسی نرسد) «...و إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا»^۵؛ «و (یا) فقط شیطان سرکش و ویرانگر را می‌خوانند.»

«...و يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»^۶؛ «و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند.»

۱. اول سموئیل، ۲۸: ۷.

۲. همان

۳. رک: سید محمد مهدی حسینی، جن‌ها همه‌جا هستند، ص ۶.

۴. نمل ۳۹.

۵. نساء ۱۱۷.

۶. حج ۳.

«وَحَفِظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ»^۱ «و آن را از هر شیطان خبیثی حفظ نمودیم.»
در انجیل لوقا نیز می‌خوانیم:

«آنانی که در کناره راه هستند چون می‌شنوند، فوراً ابلیس آمده کلام را از دل‌های ایشان می‌رباید مبدا ایمان آورده نجات یابند!»^۲

مراد از شیطان همان افراد شریر جن هستند که می‌خواهند به هر طریق ممکن انسان‌ها را از راه راست منحرف کنند و ایمانشان را بگیرند.

(ج) قرین (همراه و همدم که از شخص جدا نشود):

«وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»^۳ «هرکس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره قرین او باشد.»

(د) رجیم (ملعون، نفرین شده):

«وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ»^۴ «و آن را از هر شیطان مطرودی حفظ نمودیم.»

در سفر لاویان از کتاب مقدس عبری آمده است:

«کسی که به اصحاب اجنه توجه نماید من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت.»^۵

اگر صفت رجیم بر کسی غلبه کند خداوند او را گمراه می‌کند؛ به‌طوری‌که تا زمانی زنده است خوار و ذلیل باشد و مورد عفو و رحمت الهی قرار نمی‌گیرد.

(ه) طاغوت (شیطان، اهریمن و گمراه‌کننده): «...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۶ «بنابر این، کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.»

در انجیل یوحنا از کتاب عهد جدید می‌خوانیم:

«شما از پدر خود ابلیس هستید و خواهش‌های پدر خود را می‌خواهید به عمل

۱. صافات/۷.

۲. لوقا، ۱۲: ۸.

۳. زخرف/۳۶.

۴. حجر/۱۷.

۵. لاویان، ۶: ۲۰.

۶. بقره/۲۵۶.

آورید. به راستی که او از اهریمن‌ترین گمراه‌کنندگان است. هرگاه به دروغ سخن می‌گوید از ذات خود می‌گوید؛ زیرا دروغ‌گو و پدر دروغ‌گویان است.»^۱

(و غرور) اغفال‌گری که زیاد اغفال می‌کند و منظور از آن شیاطین اجنه است):^۱ ... وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ «و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد.»^۲

(ز) وسوسه: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ»؛^۳ «پناه می‌یرم به خدا از شر وسواس خناس که از طایفه من هستند.»

در سفر لاویان می‌خوانیم:

«به اصحاب اجنه توجه می‌کنید و از جادوگران پرسش می‌نمایید تا خود را به ایشان نجس سازید، من یهوه هستم.»^۴

با توجه به عقل و شعوری که خداوند به این طایفه داده باعث شده است تا برای آنها هم حسابی و کتابی نوشته شود و در پیشگاه خدا مسئول باشند. خداوند بدکاران جن و انس را به دوزخ بشارت داده است و چون خداوند او را مانند انسان مختار آفریده و در انتخاب کارهایش آزاد گذاشته، اگر مرتکب گناهی شود و اوصاف رذیله را در خود پرورش دهد مشرک محسوب می‌گردد و مانند انسان راهی جز سرنگون شدن در دوزخ را ندارد.^۵

۵.۲. اهم ویژگی‌های جن

در رابطه با خصوصیات جن، آیات بسیاری در قرآن ذکر شده و لیکن از باب نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

۱، ۲، ۵. جن مانند انسان مکلف است و موجودی مختار و انتخاب‌گر است که بر سر دو راهی قرار می‌گیرد. باید یکی را انتخاب کند اگر حق را پذیرفت به پاداش نیک می‌رسد و اگر باطل را به عذاب می‌رسد. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۶ «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و

۱. یوحنا، ۴: ۸.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۰.

۳. فاطر/۵.

۴. ناس/۴.

۵. لاویان، ۳۱: ۱۹.

۶. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۸۶.

۷. ذاریات/۵۶.

به من نزدیک شوند)».

این آیه دلالت بر این دارد که جن و انس در تکلیف به عبادت شریک هستند.

۵،۲،۲. جن‌ها دو دسته‌اند: خوب و بد و همانند انسان به مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند، و بعضی صالح و بعضی دیگر فاسدند: «وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ...»، «وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا * وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»^۱؛ «و اینکه در میان ما افرادی صالح و افرادی غیر صالحند، و ما گروه‌های متفاوتی هستیم. و اینکه گروهی از ما مسلمانان، و گروهی ظالمند، هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده و اما ظالمان آتش‌گیره دوزخند.»

۵،۲،۳. پیامبرانی برای جن مبعوث شده و پیام الهی را به آنها رسانده است: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ يَا تُكْمُ... عَلَيَّكُمْ آيَاتِي...»^۲؛ «ای جمعیت جن و انس آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند.»

۵،۲،۴. برخی از آنها که مسلمان هستند رستگار می‌شوند و برخی که کافر هستند به همان عذاب دوزخ انسان دچار می‌شوند: «وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا...»^۳؛ «به بقیین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم آنها دلها [عقلها]یی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند...».

۵،۲،۵. تعداد جنیان بیش از آدمیان است: «وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ قَالَ أُولِيَآؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ...»^۴؛ «در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسان‌ها را گمراه ساختید.»

۵،۲،۶. این نوع از مخلوقات مانند انسان زندگی، مرگ و قیامت دارند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ...»^۵؛ «آنها کسانی هستند که فرمان عذاب همراه اقوام (کافری) که قبل از آنها از جن و انس بودند در باره آنان مسجل شده.»

۵،۲،۷. آنها قدرت بر انجام کارهای مورد نیاز انسان دارند: «وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ

۱. جن/۱۱-۱۴-۱۵.

۲. انعام/۱۳۰.

۳. اعراف/۱۷۹.

۴. انعام/۱۲۸.

۵. احقاف/۱۸.

بَيْنَ يَدَيْهِ بِأُذُنِ رَبِّهِ... * يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ...»^۱
 «و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند و هر کدام از آنها که
 از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشانیم! آنها هر چه سلیمان
 می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تمثالها،...»

۵,۲,۸. قدرت نفوذ در آسمانها و استراق سمع دارند: «وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ
 لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا»^۲ «و اینکه ما پیش از این به استراق
 سمع در آسمانها می نشستیم اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی
 را در کمین خود می یابد!» در تفسیر المیزان آمده است که جنیان آزادانه به آسمان
 بالا می رفتند، و در جایی که خبرهای غیبی و سخنان ملائکه به گوششان برسد
 می نشستند.^۳

علاوه بر این، کارهایی سریع و اعمالی شاقه را می توانند انجام دهند، که از نوع بشر
 ساخته نیست، که در آیات مربوطه به قصه حضرت سلیمان • و اینکه جن مسخر او
 بودند آمده است.

۵,۳. صفات مشترک و تباین جن با ملائکه

عالم جن مثل ملائکه غیبی است هر دو از چشم انسانها پوشیده و مخفی هستند.
 در اصل خلقت با هم اختلاف دارند ملائکه از نور، جن از آتش خلق شده است. جن
 زاد و ولد دارد، می خورد و می آشامد، دارای تولید نسل است ولی ملائکه هیچ یک از
 این صفات را ندارد همچنان که در میهمانی حضرت ابراهیم دو فرشته نمایان شدند.
 ۵,۳,۱. مخفی و عدم رویت: هر دو مخفی هستند و با چشم دیده نمی شوند: «... إِنَّهُ
 يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...»^۴ «چه اینکه او و همکارانش شما را می بینند
 و شما آنها را نمی بینید.»

۵,۳,۲. از عالم غیب چیزی نمی دانند: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا»^۵
 «عالم الغیب او است، و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد.»

۵,۳,۳. هر دو در انتقال چیزی از جایی به جای دیگر، از سرعت بالایی برخوردار
 هستند؛ به طوری که انسان برای انتقال آن باید زمان زیادی را صرف کند.

۱. سبا/۱۲-۱۳.

۲. جن/۹.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی ج ۲۰، ص ۶۶.

۴. اعراف/۲۷.

۵. جن/۲۶.

۵,۳,۴. صعود و نزول می کنند: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرَبِيَّةٍ الْكَوَاكِبِ * لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ»^۱ «ما آسمان پائین را با ستارگان تزیین کردیم * آنها نمی توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند (و هرگاه چنین بخواهند) از هر سو هدف تیرها قرار می گیرند!»

«وَمَا يُنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَتِيعُونَ * إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ»^۲ «شیاطین و جنیان این آیات را نازل نکردند * و برای آنها سزوار نیست، و قدرت ندارند * آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند.»

فرشته هرگاه به فرمان الهی نزول می کند؛ ولی باز صعود می کند؛ ولی اجنه و شیاطین اگر نزول کردند دیگر نمی توانند صعود به عوالم بالا را داشته باشند.

۵,۳,۵. با انسان همراه می شوند: «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۳ «به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می دارند. هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی کند مگر اینکه نزد آن فرشته ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت است.»

۵,۴. اهم اعمال جن

این موجود پوشیده و مستور که قادر به حرکات سریع و اعمال شاقه هستند اگر وجهه شیطانی اش در وجود انسان رسوخ کند او را به سمت بدترین اعمال سوق می دهد از جمله:

۵,۴,۱. تزیین باطل: از اعمال شیاطین جن در نفس انسان تزیین باطل است به طوری که هر باطلی را حق جلوه می دهد. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^۴ «بگو آیا به شما خیر دهیم که زیان کارترین (مردم) کیانند * آنها که تلاش هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده، با این حال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند!»

۵,۴,۲. اغواگری و وسوسه برای گمراه کردن انسانها: این امر از شیاطین جن و انس حاصل می شود. آنها با بعضی انسانها ارتباط برقرار می کردند و با آگاهی محدودی که

۱. صافات/۸۶.

۲. شعر/۱۱۲ و ۱۱۶.

۳. ق/۱۷-۱۸.

۴. کهف/۱۰۴-۱۰۳.

نسبت به بعضی از اسرار پنهانی داشتند به اغوای انسان‌ها و وسوسه آنها می‌پرداختند. «وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا»^۱ «و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند.»

در انجیل لوقا از کتاب‌های عهدجدید نیز به اغوای شیطان اشاره شده است: «ابلیس او را به کوهی بلند برده تمامی ممالک جهان را در لحظه‌ای به انسان نشان داد.»^۲

۳،۴،۵، غفلت از ذکر خدا از مهمترین اعمال آنها است؛ به طوری که انسان آنچه که خیر و صلاحش در آن است فراموش می‌کند، واجبات را ترک می‌کند و از محرمات و منکرات استقبال می‌کند. تمام این امور از عمل شیاطین جن است و به وسیله همین کارها شما را از ذکر خدا و نماز بازمی‌دارد.^۳

«إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^۴ «شیطان می‌خواهد در میان شما بوسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟!»

۴،۴،۵، امر به فحشا و منکر: «... وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ...»^۵ «ای شیطان بگذار (گمراهش می‌سازد)، چرا که او امر به فحشا و منکر می‌کند، و اگر فضل و رحمت الهی به سراغ شما نمی‌آمد.»

این آیه به مؤمنان تذکر می‌دهد که آثار و عوامل شیطانی را از همان ابتدای کار، دقیق شناسایی و از خود دور کنند تا منحرف نشوند؛ زیرا تبعیت از شیطان علت رواج زشتی‌ها و اعمال ناپسند است.^۶

۱. جن/۶

۲. لوقا، ۵: ۴

۳. رک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۸۱.

۴. مائده/۹۱.

۵. نور/۲۱.

۶. رساله ملائکه والجن، ص ۳۱۴.

نتیجه

از آیات و مطالب بالا نتیجه می‌گیریم که جن، موجودی مستور از دیده‌ها است که از نیرو و قدرت خارق‌العاده‌ای برخوردار است. او همانند انسان مختار و با اراده، و مکلف به تکالیف الهی است و یکی از مخلوقات خدا می‌باشد. از انسان ضعیف‌تر است و با عالم انسان‌ها (هدایت و ضلالت) در ارتباط است.

جنیان از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در هدایت، جن از انسان و در ضلالت، هردو بر هم اثر می‌گذارند و تنها منبع قوی و قابل قبول در مورد این موجود قرآن کریم است که جن را به دور از اوهام و خرافات مطرح نموده و آن را موجودی واقعی معرفی می‌کند. در این تحقیق سعی شده به مواردی که در عهدین آمده اشاره نماید؛ لذا درجایی که به این مقوله پرداخته نشده است نشان این است که در کتب عهدین هم سکوت کرده و چیزی را مطرح نکرده‌اند. در نتیجه کتب آسمانی دیگر به گستردگی قرآن درباره این موجودات صحبت نشده است و شاید یکی از دلایل این باشد که آن دو کتاب مقدس تحریف شده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

۱. ابن منظور، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲. حامد ابوزید، نصر، معنای متن پژوهشی در علوم قرآن، مترجم مرتضی کریمی‌نیا، انتشارات طرح نو، چ دوم، بی جا، ۱۳۸۱ش.
۳. حسینی، سید محمد مهدی، جن‌ها همه جا هستند، انتشارات پیام راشده، چ دوم، بی جا، ۱۳۸۴ش.
۴. خوشدل، محمدرضا، موجودات ماورایی (پژوهشی پیرامون خلقت جن)، انتشارات ارون، چ اول، تهران، ۱۳۸۲ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، دمشق، بی تا.
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴ش.
۷. عبدالله، حسین، السحر والجن (بین واقع التأثیر و خرافه الشایعات)، دار مکتبه

الهلال للطباعة والنشر، بیروت.

۸. عبدالله، عمر سلیمان، عالم الجن والشیاطین، در النفائس، بی‌جا، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۸م.
۹. محمدباقری رفسنجانی، حمیده، جن در آیینه قرآن، انتشارات معصومین، قم، ۱۳۵۸ش.
۱۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی، معارف قرآن (۱-۳)، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، چ‌اول، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جمهوری اسلامی ایران، بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. الملائکه و الجن، المملكة العربیة السعودیة وزارت التعليم العالی جامعه ام‌القری.
۱۳. میرزایی، رحمان، آنها این‌جایند (جن‌شناسی از نگاه دیگر)، نشر ماهرنگ، تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۴. نجفی، سید بهاء‌الدین، جن افسانه یا واقعیت، نشر مصطفی، چ‌چهارم، قم، ۱۳۸۴ش.